

- سه‌شنبه ۶ خردادماه ۱۴۰۴**
- سال هفدهم - شماره ۳۱۳۲**

سپهرغرب، گروه شهر – طاهره ترابی‌مهوش؛ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران گفت: زیست شبانه به‌عنوان یک عنصر کلیدی در مدیریت شهری، به ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و بهبود تعاملات اجتماعی در ساعات غیررسمی روز کمک می‌کند؛ البته می‌بایست ملاحظاتِ همچون بسترهای اجتماعی و اقتصادی و نیز جلوگیری از آلودگی

نوری مورد توجه قرار گیرد.

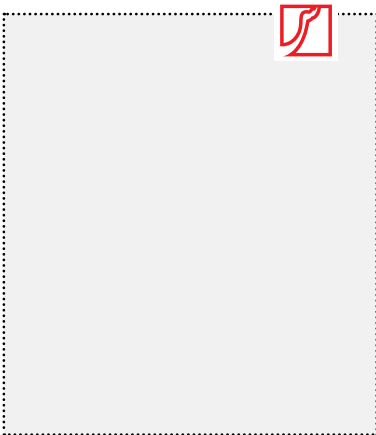
زیست شبانه فصلی‌نو در مدیریت جدید شهری است که با احیای آن می‌توان حوزه‌های مختلف را از خودگی خارج ساخت و جان دوباره‌ای به شهر داد، زیرا رونق گرفتن این امر به افزایش امنیت، اشتغال، گردشگری و دسترسی شبانه‌روزی مردم به امکانات تفریحی کلان‌شهرها کمک خواهد کرد. به دیگر سخن زیست شبانه امروزه بخشی تفکیک‌ناپذیر از زندگی در شهرهای بزرگ دنیاست، مخصوصاً شهرهایی که از جاذبه‌های گردشگری زیادی برخوردارند به‌طوری که رونق آن در قالب زندگی ۲۴ ساعته در شهر به صنعت هتلداری، حمل‌ونقل، خدمات گردشگری و رستوران‌ها رونق می‌بخشد.

جالب‌تر اینکه بر اساس تعاریف موجود، زیست شبانه به ساعات خاصی از شبانه‌روز و معمولاً از ۶ بعد از ظهر تا ۶ صبح روز بعد محدود می‌شود و در یک کلام همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از شهروندان و کاسبان محلی گرفته تا گردشگران و بازدیدکنندگان خارجی.

از طرفی زیست شبانه شهری، چهره‌ای جذاب و پرجنب‌وجوش از زندگی در شهرها است که اغلب در سایه‌های شب و در میان نورهای خیابان‌ها، کافه‌ها و مغازه‌ها به زندگی خود ادامه می‌دهد. این پدیده که در دل جاذبه‌های شهری و در تعامل با انسان‌ها، دنیایی متفاوت و شگفت‌انگیز را خلق می‌کنند، به زندگی شهری رنگ و بویی خاص می‌بخشد. بنابراین اهمیت زیست شبانه شهری نه‌تنها در ایجاد تعادل زیست‌محیطی و تنوع زیستی شهرهاست، بلکه در تأمین احساسات انسانی و ارتقای کیفیت زندگی نیز نقش بسزایی دارد.

با در نظر گرفتن این جنبه‌های مثبت، چون همدان یکی از کلان‌شهرهای ایران با جاذبه‌های گردشگری و شهری فراوان است، برآن شدیم تا در

خصوص زیست شبانه شهری، چرایی، چگونگی و در عین حال الزامات آن را با دانش‌آموخته دکتری تخصصی شهرسازی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران گفت‌وگویی ترتیب دهیم که در ادامه می‌خوانید:



دکتر مهرنوش حسن‌زاده با بیان اینکه موضوع زیست شبانه و نقش مدیریت شهری در آن طی سال‌های اخیر به یکی از موضوعات مهم در مدیریت کشور تبدیل شده، گفت: زندگی شبانه شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که به‌نوعی کیفیت زندگی شهری را نشان می‌دهد.

وی افزود: زندگی شهری نه‌تنها شامل بسترهای فیزیکی می‌شود، بلکه تأثیرات آن بر کیفیت زندگی و روابط اجتماعی انسان‌ها نیز حائز اهمیت است چراکه با افزایش پوشش نور مصنوعی، شهرها می‌توانند نسبت به گذشته مترکمزتر و روشن‌تر شوند و در واقع جریان حیات شبانه را به‌وجود آورند.

وی با تأکید بر اینکه این امر می‌تواند منجر به افزایش طول زمان استفاده از فضاهای شهری و ایجاد حس سرزندگی در شهروندان شود اظهار کرد: تئوری‌هایی مانند «شهرهای ۲۴ ساعته» و «شهرهای زنده در شب» نشان‌دهنده ظرفیت شب برای بهره‌برداری از فضاهای شهری است زیرا در این مقطع زمانی افرادی که به دلایل مختلف نمی‌توانند در طول روز از این فضاها استفاده کنند، می‌توانند در شب از فرصت‌های موجود

بهره ببرند. این دانش‌آموخته دکتری تخصصی شهرسازی با بیان اینکه، زیست شهری شبانه می‌تواند فرصت‌هایی برای تقویت مشارکت اجتماعی و کاهش احساس انزوا به‌ویژه در میان جوانان و سالمندان فراهم کند چراکه شب زمان مناسبی برای استفاده از فضاهای شهری است که ممکن است در طول روز به‌دلیل مشغله‌های کاری نادیده گرفته شوند و این وجود، در حال حاضر بسیاری از خانواده‌ها، به‌ویژه زنان، تمایلی به حضور در فضاهای عمومی شبانه ندارند که دلایل مختلفی برای این موضوع می‌توان برشمرد ازجمله مسائل امنیتی و طراحی نامناسب فضاهای شهری.

حسن‌زاده با اشاره به اینکه با وجود این نواقص نیاز به ایجاد فضایی امن و مناسب برای حضور زنان و دیگر اقشار جامعه همواره احساس می‌شود، ابراز کرد: نظارت اجتماعی و روشنایی فضاها در شب می‌تواند تأثیر زیادی بر حس امنیت افراد داشته باشد.

وی با بیان اینکه اگر بتوانیم این عوامل را اصلاح کنیم، شاهد مشارکت بیشتر زنان، کودکان و سالمندان در فعالیت‌های شبانه خواهیم بود و این امر به بالا بردن کیفیت زندگی اجتماعی در شهرها کمک خواهد کرد، گفت: درخصوص الزامات و چالش‌های زیست شبانه در مدیریت شهری نیز باید بگوییم: در جوامع شهری نیازمند توجه به مؤلفه‌های متعددی است که می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی بر کیفیت زندگی شهروندان بگذارد.

این شهرساز با ابراز اینکه یکی از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها توجه به محیط زیست و آلودگی نوری است، تصریح کرد: واقعیت این است که گسترش شهرنشینی و استفاده فزاینده از نور مصنوعی، منجر به تبدیل آلودگی نوری به معضلی اساسی در محیط زیست شده است.

حسن‌زاده ادامه داد: این آلودگی نه‌تنها بر قابلیت دید شب نمی‌افزاید، بلکه می‌تواند مشکلات جدی برای سلامت شهروندان ایجاد کند؛ عواملی مانند اختلال در کیفیت خواب و افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی و عروقی و حتی اختلالات سلامت روان ازجمله این مشکلات هستند.

شهر- فرهنگی

وی با اشاره به اینکه حتی تحقیقات نشان داده‌اند که آلودگی نوری بر برخی از گونه‌های پرندگان تأثیر گذاشته و باعث کوچک‌تر شدن چشم‌های آن‌ها نسبت به نسل‌های قبلی شده تشریح کرد؛ بنابراین، زیست شبانه باید با حداقل میزان آلودگی نوری طراحی شود و در عین حال فضاهای عمومی باید به گونه‌ای ایجاد شوند که برای همه افراد، به‌ویژه کسانی که امکان استفاده از فضاهای شهری را در روز ندارند، اختلالی ایجاد نکنند.

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران– جنوب با بیان اینکه در مبحث زیست شبانه کنترل و هدایت فضاهای شهری به‌عنوان فضاهای زنده و فعالی که همگان بتوانند با اطمینان از آن‌ها استفاده کنند، از اهمیت بالایی برخوردار است، اظهار کرد: علاوه بر این برقراری ملاحظات اقتصادی و اجتماعی در این فضاها می‌تواند کارآمدی بیشتری را به ارمغان آورد.

حسن‌زاده افزود: در این بین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی در شهرها در ساعات شبانه انجام می‌شود و توجه به این نکته می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی و تقویت تعاملات اجتماعی منجر شود.

وی با تأکید بر اینکه البته آلودگی نوری و چالش‌های اجتماعی، اقتصادی فقط مشکل ایران نیست و در بسیاری از شهرهای جهان وجود دارد، اد‌عان کرد: به‌عنوان مثال، کشورهایی مانند فرانسه و آلمان با چالش‌های مشابهی در این زمینه مواجه هستند.

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران ادامه داد: در عین حال، حرکت به سمت پارادایم‌های سبز و بهبود سیستم‌های روشنایی که به سمت گزینه‌های کم‌مصرف‌تر مانند LEDها در حال حرکت هستند، گام‌های مهمی در جهت کاهش آلودگی نوری و بهبود کیفیت زندگی شبانه به‌شمار می‌روند.

حسن‌زاده با بیان اینکه طراحی شهری به‌عنوان یک عنصر کلیدی در ایجاد فضایی امن و زنده در زیست شبانه برای نوجوانان، جوانان و خانواده‌ها باید در نظر گرفته شود خاطرنشان کرد: استفاده از تجربیات موفق در کشورهای مانند آلمان و فرانسه می‌تواند به بهبود کیفیت

زندگی در شهرهای ما کمک کند؛ البته می‌توان این ادعا را داشت که برخی از شهرهای ایران در زمینه زندگی شبانه از بسیاری از شهرهای اروپایی پیش‌تر هستند. وی با ابراز اینکه طراحی خلاقانه و هوشمندانه فضاهای بی‌جان شهری می‌تواند به زنده کردن این فضاها در شب و فراهم کردن حس امنیت کمک کند افزود: این طراحی باید به گونه‌ای باشد که از نظر اجتماعی و اقتصادی و همچنین از نظر محیط زیستی بتواند به رفع مسائل شهری بپردازد.

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران با بیان اینکه در حوزه مدیریت شهری، تقویت مهارت‌ها و نگرش‌های مربوط به اهمیت شب به اندازه روز، نیازمند یک همت جمعی و عزم راسخ است توضیح داد: متقاعد کردن مسئولان در این زمینه می‌تواند به تحولی در سیاست‌های شهری و بهبود شرایط زیست شبانه انجامیده و بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر مثبت بگذارد.

حسن‌زاده با اشاره به اینکه زیست شبانه به‌عنوان یک عنصر کلیدی در مدیریت شهری، به ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و بهبود تعاملات اجتماعی در ساعات غیررسمی روز کمک می‌کند که در این بین تجربه‌های موفق از شهرهای مختلف در جهان نشان‌دهنده اهمیت و تأثیرات مثبت مدیریت زیست شبانه است اد‌عان کرد: در این بین چنانکه گفته شد، چالش‌های عمده مربوط به این پدیده، ازجمله آلودگی نوری و ایجاد محیط‌های امن و دلپذیر برای تمامی اقشار جامعه، باید به دقت مورد توجه قرار گیرد.

وی افزود: علاوه بر آن، نیاز به طراحی خلاقانه فضاهای عمومی برای بهره‌مندی زیست کارآمد شبانه باید به گونه‌ای که جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی را در نظر گیرد، مورد توجه باشد تا بتوان به تعاملات اجتماعی و کاهش انزوای اجتماعی در شهرهای پرهیاهوی کمک کند.

وی عنوان کرد: مدیریت شهری باید از رویکردی جامع و چندوجهی برخوردار باشد که ضمن توجه به نیازهای مختلف جامعه، اقدامات مؤثری در راستای بهبود کیفیت زندگی شبانه انجام دهد که مهم‌ترین آن شامل شناسایی منابع مؤثر، وضع ضوابط و مقررات کارا و تعهد به تداوم برنامه‌های

اجتماعی است.

شبانه نه‌تنها به ارتقای کیفیت زندگی شهری کمک می‌کند، بلکه به تقویت حس تعلق اجتماعی، کاهش جرم و جنایت و افزایش سلامت و رفاه عمومی نیز منجر خواهد شد، در این بین اجرای سیاست‌ها و راهکارهای مبتنی بر تجربیات موفق در شهرهای دیگر می‌تواند به تمامی این اهداف کمک کند و فضایی پویا و زنده برای زندگی شبانه فراهم سازد.

مع‌الوصف با توجه به آنچه گفته شد؛ زیست شبانه شهری به مجموعه فعالیت‌ها، خدمات و فضاهایی اطلاق می‌شود که در شب در شهرها به‌وجود می‌آیند و به کیفیت زندگی شهری و استفاده بهینه از فضاهای عمومی برای افرادی که در روز فرصت ندارد کمک می‌کنند.

این مفهوم در سال‌های اخیر به‌دلیل افزایش فعالیت‌های شبانه، رونق گردشگری شبانه و نیاز به امنیت و آسایش شهروندان در شب، توجه بیشتری را جلب کرده اما در این راستا، ضمن توجه به مؤلفه‌های عنوان‌شده از سوی کارشناس، پرداختن به الزامات شهرسازی برای تحقق زیست شبانه شهری مطلوب همچون طراحی فضای عمومی، نورپردازی مناسب و تجهیزات، تسهیلات رفاهی همچون فراموش کردن میز و صندلی، سرویس‌های بهداشتی و امکانات تفریحی برای کاربران شب ضروری است.

همچنین توجه به امنیت و ایمنی از طریق حضور پلیس و نیروهای امنیت و طراحی فضاهای امن با اجتناب از نقاط تاریک و خلوت، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های خدماتی و امکانات با فراهم کردن فعالیت‌هایی متنوع در شب، ازجمله رستوران‌ها، کافه‌ها، سینماها و بازارهای شبانه که بتوانند نیازهای مختلف شهروندان را برآورده کنند، برگزاری رویدادها و جشن‌ها در شب که می‌تواند به جذب جمعیت و تقویت احساس تعلق به جامعه کمک کند، توسعه حمل‌ونقل عمومی، به‌منظور تسهیل دسترسی شهروندان به مناطق مختلف شهر و در عین حال تدوین قوانین و مقررات در راستای جلوگیری از مزاحمت‌های صوتی و آلودگی بصری نیز ضروری بوده و نیاز به آن احساس می‌شود.

دانشیار گروه فلسفه هنر دانشکده هنر و معماری تأکید کرد:

هنر به حمایت نیاز دارد، نه هدایت

نادیده گرفتن زنان در صنایع‌دستی، ریشه در ساختار سیاست‌گذاری دارد

اردلانی ادامه داد: البته این غفلت نظری، چیزی از حقیقت موجود کم نمی‌کند. فلسفه هنر، اساساً به مقوله هنر و زیبایی می‌پردازد؛ آن هم در بستری که بر ساخته‌های انسان تمرکز دارد، نه لزوماً بر تعلق جنسیتی هنرمند.

■ ساختار سیاست‌گذاری؛ مانع دیده‌شدن زنان هنرمند

وی سپس با اشاره به وضعیت زنان در حوزه صنایع‌دستی در جامعه ایران تصریح کرد: با اینکه زنان بخش قابل توجهی از بار خلق و حفظ صنایع‌دستی را به دوش می‌کشند، معمولاً در پستوها باقی مانده‌اند و کمتر در عرصه‌های عمومی و رسمی دیده می‌شوند. این مسئله ناشی از میل یا نبود تمایل شخصی آنان نیست، بلکه باید ریشه آن را در ساختار سیاست‌گذاری فرهنگی جست‌وجو کرد.

دانشیار گروه فلسفه هنر دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد همدان، افزود: تأکید می‌کنم که منظور از سیاست، هدایت عامدانه نیست، بلکه ساختار کلی سیاست‌گذاری و نظام اداری فرهنگی کشور است که باید از هنرمند حمایت کند، نه آنکه او را هدایت کند. جمله کلیدی من این است: «هنر به هدایت نیاز دارد، نه هدایت.» این حمایت می‌تواند شامل تسهیلات مالی واقعی، وام‌های هدفمند، فراهم‌سازی بسترهای معرفی و فروش آثار و نیز فرهنگ‌سازی عمومی باشد.

■ فقدان برنامه‌ریزی رسانه‌ای برای ترویج صنایع‌دستی

اردلانی با انتقاد از عملکرد رسانه ملی در زمینه ترویج صنایع‌دستی و فرهنگ سنتی، خاطرنشان کرد: صدا و سیما ی ما تاکنون مقدر برای تشویق مردم به استفاده از صنایع‌دستی و ترویج سبک زندگی ایرانی– اسلامی تلاش کرده؟ هزاران برنامه بی‌محتوا از تلویزیون پخش می‌شود، اما هیچ جایگاهی برای هنر سنتی و صنایع‌دستی در آن‌ها وجود ندارد. نه در تبلیغات خصوصی و نه در برنامه‌های دولتی، هیچ نشانی از ترویج این هنرها نمی‌بینیم. در عوض، تبلیغ خانه‌های مجلل و ظروف مدرن که عمدتاً وارداتی هستند، در اولویت قرار دارد. این در حالی است که می‌توان از این ظرفیت فرهنگی برای ساخت هویت استفاده کرد.

■ نبود هویت هنری مشخص در جمهوری اسلامی

وی با مقایسه دوره‌های مختلف تاریخی و هنر معمار در ایران بیان کرد: در تاریخ معاصر، ما لحن و هویت مشخصی در عرصه هنر و معماری

نداریم. این پژوهشگر فلسفه هنر افزود: مسئولان فرهنگی ما، از وزیر ارشاد گرفته تا رئیس صدا و سیما و رؤسای دانشگاه‌ها، باید نرس و بشناسند و به آن باور داشته باشند. انتخاب مدیران فرهنگی باید بر اساس درک و شناخت آنان از هنر و فرهنگ صورت گیرد، نه صرفاً بر مبنای ملاحظات سیاسی یا اداری.

■ هنر فاخر در سایه و تسلط بازار بر ذوق هنری اردلانی همچنین به وضعیت موسیقی اشاره کرد و گفت: ما در کشور خود موسیقی فاخر داریم که هرگز مجوز نمی‌گیرد، در حالی که موسیقی‌های سطحی و تجاری به‌راحتی منتشر می‌شوند. صدا و سیما نیز با ایجاد محدودیت در پخش برنامه‌ای اصیل، فضا را برای بروز آن‌ها تنگ کرده است در حالی که هنر باید بتواند آزادانه در جامعه حضور یابد و مخاطب خود را بیابد.

■ جوانان ناامید نشوند؛ هنر، ابزار دیپلماسی فرهنگی است

وی درباره جایگاه اقتصادی صنایع دستی و امکان‌های توسعه آن اظهار کرد: من نمی‌توانم یک جایگاه یک سیاست‌گذار پیشنهاد بدهم، زیرا متأسفانه تصمیم‌گیران به توصیه‌های علمی گوش نمی‌دهند؛ نه به حرف من، نه به حرف دیگران. سال‌هاست که نخبگان درباره لزوم حمایت از صنایع‌دستی هشدار می‌دهند، اما گوش شنوایی وجود ندارد. با این حال، معتقدم اگر جوانان بتوانند فضای صادراتی برای محصولات خود ایجاد کنند، حتی به‌صورت فر هنگ ایرانی را به دیگر کشورها معرفی کنند. این استاد برجسته تأکید کرد: یگانه چیزی که اگر از یک جامعه گرفته شود، آن جامعه تسلیم قدرت شده، امید است. جوانان باید امیدوار بمانند. نباید به ایده‌های خلاقانه خود تخفیف دهند. نباید تحت فشار بازار، کیفیت آثارشان را پایین بیاورند. متأسفانه برخی به این شیوه روی آورده‌اند؛ مثلاً می‌گویند اگر بازار چیزی با ظاهر نازلی می‌خواهد، همان را تولید کنیم. اما این مسیر هنری نیست.

■ بازار نباید ذوق هنرمند را تعیین کند اردلانی افزود: هنر نباید تابع خواست بازاری باشد که از بالا مدیریت می‌شود. مثلاً اینکه چرا یک خودروی راری مثل نیسان همیشه باید ابی باشد، چون بازار همین را می‌خواهد؟ این نگاه، خلأقیت را می‌گیرد. هنرمند باید اصالت خود را حفظ کند و جامعه باید به او فرصت بروز و زنجیره‌ای از موانع را شکل داده که خلأقیت،

سپهرغرب، گروه فرهنگی – سمیرا گمار؛ دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی همدان با تأکید بر نیاز هنر به «حمایت» نه «هدایت»، چشم‌اندازی انتقادی و در عین حال امیدوارانه ارائه می‌دهد که می‌تواند آغازگر یک بازنگری اساسی در نگاه به هنر بومی و زنان هنرمند باشد.

در شرایطی که صنایع‌دستی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های هویت فرهنگی و خلاقیت بومی شناخته می‌شود، همچنان بسیاری از هنرمندان و به‌ویژه زنان فعال در این حوزه، در حاشیه مانده‌اند. با وجود آنکه زنان سهم بزرگی در خلق و تداوم میراث هنری دارند، حضور آنان در صحنه رسمی هنر کشور، به‌ویژه در حوزه صنایع‌دستی، بسیار کم‌رنگ و گام نامرئی است.

این در حالی است که صنایع‌دستی نه‌تنها بخشی از تاریخ فرهنگی ملت‌ها را روایت می‌کند، بلکه ظرفیتی بالقوه برای اقتصاد خلاق، دیپلماسی فرهنگی و توسعه پایدار به‌شمار می‌رود. با این حال، فقدان سیاست‌های حمایتی، ضعف در رسانه‌سازی و نبود برنامه‌ریزی فرهنگی منسجم، موجب شده تا هنرمندان این حوزه، به‌ویژه بانوان، با چالش‌های مضاعفی مواجه شوند؛ از دیده‌نشدن در عرصه عمومی گرفته تا بی‌مهری بازار و بی‌اعتنایی تصمیم‌گیران فرهنگی. در این میان، دانشیار گروه فلسفه هنر دانشگاه آزاد اسلامی همدان، با نگاهی ژرف‌کاوانه به این مسئله پرداخته و در گفت‌وگویی صریح، از ناکارآمدی سیاست‌های فرهنگی و رسانه‌ای، بی‌توجهی فلسفه هنر به نقش جنسیت و ضرورت بازتعریف جایگاه زنان در هنر سنتی و صنایع‌دستی سخن گفته است. او با تأکید بر نیاز هنر به «حمایت» نه «هدایت»، چشم‌اندازی انتقادی و در عین حال امیدوارانه ارائه می‌دهد که می‌تواند آغازگر یک بازنگری اساسی در نگاه به هنر بومی و زنان هنرمند باشد.

در ادامه، مشروح دیدگاه‌ها و تحلیل‌های او را می‌خوانید.

■ نقش مغفول زنان در صنایع دستی و ضرورت بازنگری در سیاست‌های فرهنگی

دکتر حسین اردلانی، در ابتدای سخنان خود با تأکید بر نقش برجسته و بی‌بدیل زنان در عرصه صنایع‌دستی، اظهار کرد: روحیه زنان در عرصه خلق آثار هنری، دارای دامنه‌ای وسیع‌تر در زمینه تنوع رنگی و پرداختن به جزئیات فرمی است. آن‌ها غالباً با حساسیتی بالا و نگاهی عمیق‌تر به خلق آثار هنری می‌پردازند و آثارشان نه به‌عنوان محصولات تولید انبوه، بلکه هر یک به‌صورت تک‌انگاره‌ای منحصربه‌فرد پدید می‌آید.

وی افزود: البته نباید نادیده گرفت که مردان

